

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: نعیم سلیمی

۱۲ اکتوبر ۲۰۲۳

## دربارهٔ پیدایش منشور کبیر آزادی انگلستان [مگناکارتا]

"حق و عدالت رادبرابر هیچ اراده ای نمی فروشیم، آن رادبرابر هیچ اراده ای انکار نمی کنیم و اجرای آن رابه تأخیر نمی اندازیم." (نشریه عصرنو، منشور بزرگ آزادی، سه شنبه ۲۶ جوزا ۱۳۹۴).

این بودفراخوان بزرگ تاریخی منشور کبیر که یکی از اساسی ترین اسناد حقوقی بریتانیای قرون وسطی به شمار می رود و از تدوین آن بیشتر از ۸۰۰ سال سپری می گردد که در واقعیت امر این سند، توافقنامه ای بود میان شاه انگلستان (جان اول) و گروهی از اشراف تحت قلمرو سلطنت شاهی انگلستان.

باید خاطر نشان ساخت که اثر منشور کبیر آزادی بر ساختارهای حکومتی کشور های انگلیسی زبان و بازتاب آن در قوانین اساسی کشورهای جهان [من جمله افغانستان] و به خصوص قانون اساسی امریکا غیر قابل انکار است. به طور مثال اصول زرین این که "هیچ کس رانمی توان مجرم پنداشت، مگر به حکم قانون" و یا این که "برائت ذمه حالت اصلی متهم است" در اسنادتقنینی همه کشورهای جهان منجمله افغانستان از همین منشور الهام می گیرند. در منشور قید شده بود که:

"هیچ انسان آزاد نباید دستگیر، زندانی و یا از دارائی اش محروم و یا محکوم، تبعید و یا به هر صورتی بی خانمان شود... مگر به حکم قانون... هیچ انسان آزادی نباید بدون قضاوت قانونی انسان هائی که با او برابرند زندانی شود... هر کس باید حق دسترسی به دادگاه را داشته باشد و فقر مالی نباید باعث شود تا کسی از مراجعه به دادگاه خودداری کند".

امادریاب بستر و علل تاریخی پیدایش مگناکارتا، مجله "در دفاع از مارکسیسم" در شمارهٔ مؤرخ ۱۵ اکتوبر ۲۰۱۵ خویش مضمون دلچسپ و طویلی را در رابطه با موضوع فوق الذکر زیر عنوان "قانون و مارکسیسم: هشت صد سال از زمان مگنا کارتا" به نشر رسانیده است که بنا بر اهمیت موضوع برای محصلان و پژوهشگران حقوق و علوم سیاسی سعی می کنم نکات اساسی و برجستهٔ آن را با خوانندگان در میان بگذارم:

به تاریخ ۱۵ جون سال ۱۲۱۵ جان اول پادشاه انگلستان سندی را به نام منشور بزرگ آزادی که در زبان لاتین آن را مگناکارتا یاد می نمایند به امضا رسانید. از لحاظ تاریخی این سند محصول جنگ های داخلی انگلستان که برای مدت زمان طولانی بین پادشاه و اشراف قلمرو سلطنت انگلستان زبانه کشیده بود به وجود آمد. این سند حاوی یک سلسله اعتراضات و عقب نشینی های سلطنت بریتانیا می باشد که بر اساس آن شاه موصوف موافقت نمود تا صلاحیت های خویش را در بدل اطاعت و وفاداری رعایا نسبت به وی، محدود بسازد.

برای توضیح و درک درست مسأله چگونگی پیدایش این سند حقوقدانان ریاکار و منفی باف جهان سرمایه داری با الهام ذهنی گرایانه، واقعیت های عینی ایجاد منشور را با ترفند حقوقی و سیاسی ماستمالی می نمایند. به طور مثال رابرت ورسر رئیس کمیته ۸۰۰ سالگی مگنا کارتاین سند را «تهداب اندیشه های آزادی» می داند و داستان تدوین نوشتاری آن را که از جانب مؤرخان سرمایه داری ارائه گردیده است، مبارزه میان نجیب زادگان و اشراف "خوب و نیکو" که برای حقوق و آزادی های انگلیس ها می رزمیدند و پادشاهان "بدوزشت" که خواهان حفظ قدرتهای دیکتاتوری در انگلستان تلاش می نمودند، می داند.

برای روشن شدن موضوع باید اندکی بالای حقوق افراد (حقوق فردی) و ماهیت قانون روشنی انداخته شود: مارکس در یکی از مقالاتش در ۱۸۴۲ تحت نام "اصلاحات کمون" می نویسد که «قانون زمانی می تواند آیدیال باشد که نمادی واقعی از یک خود آگاهی باشد و مستقل از بیان نظری و تئوریک از نیرو های عملی حیاتی به وجود آید.»؛ به نظر وی مگنا کارتا خلاف افکار اعیان و نجیب زادگان ناشی از فلسفه لیبرال نه، بلکه بیانی از نیرو های واقعی زنده و فعال عینی می باشد که از فتح انگلستان توسط نجیب زاده نورماندی به نام ویلیام درسال ۱۰۶۶، عرض اندام نمود. سیستم حکومت داری ویلیام بر مبنای نسخه سیستم فئودالی متمرکز بود که تحت زعامت حکمرانان قبلی انگلستان به وجود آمد. این سیستم پدیده تازه نجابت و اشرافیت را با خود به ارمغان آورد که سیستم فئودالی انگلیس را صورت بخشیده و متحد ساخت که تا آنزمان توسط سنت گرائی محلی و جنگها پیش برده می شد. فئودالیزم مانند هر سیستم اقتصادی-اجتماعی گورکن خود را پرورش می داد. این یک سیستمی بود که در آن دهقانان از مالکیت خویش بر زمین برخوردار نبوده و بایستی بالای زمین ملاک و خوانین کار می کردند. مالکان زمین از دهقانان خویش مالیات و یا عشر جمع آوری نموده و پول آن را به پادشاه انتقال می دادند و برای نظام شاهی سربازان و غیره را آماده می ساختند. این سیستم تمامی رعیت را به اراده پادشاه مطیع ساخته بود که علی رغم این همه شاه را کاملاً به اشراف متکی می ساخت. حالت به آنجا کشانیده شد که سیستم نهایت متمرکز فئودالی به تعقیب فتح و تصرفات ویلیام به وجود آید.

ویلیام موریس یکی از متفکران سوسیالیست قرن ۱۹ گفت که: «مراحل اولیه تاریخ انگلستان بیشتر دربرگیرنده جدل میان پادشاه، اشرافیت و کلیسا می باشد.» کشمکش میان این مثلث سه گانه طفیلی قدرت در آنزمان زندگی عوام الناس و توده های عادی جامعه را به جهنم مبدل ساخته بود. در تحت چنین شرایطی بود که منشور کبیر آزادی به وجود آمد. مطلب دیگری که قابل یادآوری است این است که خلاف گرافه گوئی های فلسفی اخلاقی که این منشور را ستاره درخشان از تمثال اخلاقی می پندارند؛ تدوین این سند ارتباط مستقیم بانگیزه های دریافت پول برای مخارج جنگی داشته است:

در سال ۱۲۰۴ جان قلمرو امپراتوری خود را در شمال فرانسه برای پادشاه فرانسه به نام فلیپ دوم از دست داد که برای دوده علیه آن می جنگید که بالاخره این جنگ منجر به شکست نیروهای وی در جنگی موسوم به بویانس درسال ۱۲۱۴ گردید. جهت تمویل این جنگ نامبرده مبلغ ۷۱۰۰۰ پوند سترلینگ را میان سالهای ۱۲۰۷-۱۲۱۲ جمع آوری نمود، در حالی که مصارف این جنگ در سالهای ۱۱۹۹ و ۱۲۰۲ به ۲۴ هزار پوند بالغ می گردید.

خب! روشن است که جنگ ها دایه وزایمان انقلاب هاند. در بسیاری موارد نجیب زادگان و اشراف زمین های خود را در فرانسه از دست دادند که درعین حال توقع آن وجود داشت که به پادشاه مالیات بدهند. ظهور و پیدایش چنین حالتی منجر به شورش ها و قیام ها علیه جان اول گردید. در عین حال ریچارد اول که سلف تاج و تخت انگلستان قبل از جان بود زمینه ها را برای این شورش مهیاساخت برای تمویل مصارف تهاجم خویش ریچارد قطعات گسترده زمین را به اشراف به فروش رسانید. علاوه برآن وی مالیاتی راسالانه به مبلغ ۲۵۰۰۰ پوند جمع آوری نمود که به طور اوسط

۲۰۰۰ پوند بیشتر از مالیاتی بود که در زمان هنری دوم سلف وی جمع آوری می شد. همچنان جان ۹۰۰۰۰ پوند را جهت پرداخت غرامت جنگ که از جانب امپراتور هنری ششم به خاطر آزادی ریچارد به دنبال دستگیری اش در بازگشت از مکان مقدس قلمرو کلیسای واتیکان مطالبه گردیده بود، جمع آوری می نمود؛ زمانی که در سال ۱۱۹۹ به تاج سلطنت جلوس نمود زمین ها و جایاد هائی را به ارث برد که عواید آن ۲۰۰۰ پوند می رسید که کمتر از آنچه که در سال ۱۸۹ بود، بالغ می شد. در نتیجه جان خلاف و معکوس اشراف و اعیان سلطنتش نمی توانست هر مقدار پولی را که می خواست مستقیماً از زمین ها جمع آوری نماید. در عوض وی ناگزیر بود تا این مبالغ و تکس های مضاعف را از شهروندان خویش به دست آورد تا بدینوسیله مصارف مالی سلطنتی را تمویل کند. انجام چنین کاری منتج به انفلاسیون عظیمی در آغاز سلطنتش شد. قیمت ها در ظرف چند سال سه چندگردد.

در عین حال رویدادهایی که به حیث یکی از فکتور های جانبی در تصمیم جان برای امضای فرمان چارتر آزادی نقش داشت عبارت بود از مداخله کلیسا درین مورد: سلطنت جان با مرحله تبارز قدرت کلیسا تحت رهبری پاپ انوسینت سوم تصادف می کرد. درینجا دیگر قدرت کلیسا با گزینش و انتخاب سنی ون لانگتن به حیث اسقف بزرگ کانتربری به آزمون گرفته شده بود. پاپ با مهارت و دسیسه توانست تا سنی ون را نامزد کند و درحالی که گزینه جان شخصی بود بنام جان دی گری؛ این موضوع سبب ایجاد تضاد ها و مخالفت ها میان جان و پاپ سوم شد که منتج به تکفیر جان و تبعید تقریباً تمامی اسقف های انگلیس و مصادره یکصد هزار پوند عواید کلیسا در سال ۱۲۰۹ گردید؛ هر چند روابط میان تاج و تخت سلطنتی و پاپ بعد ها ترمیم گردید، ولی این مخالفت به طور گسترده ای به پیدایش شورش ها و قیام ها کمک نمود و زمینه تدوین و ظهور منشور کبیر را مساعد ساخت، نه سخاوت اخلاقی تعدادی از اشراف و اعیان ثروتمند وابسته به مسیحیت انگلستان.

مارکس و انگلس یادآوری نمودند که «نظریات مسلط هیچ چیزی بیشتر از تبارز آیدیال روابط مسلط هستی [اجتماعی] نیستند» (ایدئولوژی جرمنی MECW V، صفحه ۵۹). این بدان معنی است که ایده های اساسی حقوقی که در منشور کبیر تبارز یافته اند، در تحلیل نهائی با درک روابط حاکم اقتصادی میان اشراف مختلف جامعه انگلستان در آن زمان قابل فهم می باشند.

مفردات عبارت اول منشور حریت، حقوق و آزادی های کلیسا به خصوص آزادی انتخابات رادر چارچوکات کلیسا ضمانت و گرانتی می کند. این مطلب صریحاً اشاره به انتخابات گزینشی مناقشه ئی و جنجالی لانگتون دارد که من آن را قبلاً توضیح دادم.

عبارت ۱۴ تاج و تخت سلطنتی را از ازدیاد مالیات به استثنا (شورای عمومی سلطنتی) ممانعت می کند. به عبارت دیگر با این جملات در چارتر، جان اول موافقت کرد که وی صرفاً زمانی می تواند مالیات را بالا ببرد که نیرومندترین اشراف درکشورش به آن رضایت داشته باشند.

در پایان چارتر بر اساس مفردات عبارت ۶۱ آن تاکید گردیده که شورای ۲۵ نفری برگزیده شده از جانب خود اشراف و اعیان بایستی ایجاد شود که وظیفه آن عملی نمودن منشور است.

چپتر ۲۰ چارتر دهقانان را در برابر جریمه های کمر شکن از جانب شاه و یا مالکان حمایت نمود و چپتر ۳۹ آنها را از مصادره و غصب غیر عادلانه ملکیت های شان توسط شاه و یا نجیب زادگان محافظت می کرد.

چپتر های ۱۷ الی ۱۹ حق دسترسی را برای آنها به محاکم سلطنتی جهت حل و فصل دعاوی می داد و درحالی که در گذشته چنین مواردی از جانب محاکم محلی که توسط خوانین و مالکان زمین اداره می شد حل و فصل می گردید.

منشور آزادی از همان بدو تدوین تا مراحل بعدی پله های مختلف و خم و پیچ هائی را پیموده و تا کنون نیز آن را می پیماید و معیار های زرین آن پیوسته بر وفق روند زنده تکامل اجتماعی - اقتصادی و سیاسی جوامع مختلف ردپل هائی را برای خود در میان قوانین مدون کشور های جهان در می یابد.

در حقیقت این منشور اول به زبان لاتین تدوین گردید و بعداً در ۱۲۱۵ به خاطر مفاد مفردات آن برای طبقه حاکم به زبان فرانسوی ترجمه گردید و بعد از سال ۱۳۰۰ بود که این سند به زبان انگلیسی که زبان گفتاری دهقانان انگلستان بود، مورد تمجید و ستایش قرار گرفت و لازم به یاد آوری است که اولین نسخه های انگلیسی چارتر الی قرن ۱۶ آشکار نگردید .

امیدوارم که مطالعه این جستار کوتاه و مختصر مدمثری برای دست اندرکاران عرصه حقوق و علوم سیاسی قرار گرفته باشد. من یقین کامل دارم که این یک موضوع بینهایت گسترده و بزرگی است که نیاز به تحقیق بیشتری در آینده دارد.

پایان